

بخش چهارم

جانداران

این بخش در بردارنده ۲۵۶ نام میباشد.

آتش افروز - مرغ آتش - سمندر .
 آج - (مانند باسن): پرنده ای زیبا .
 آراستگی - آراسته - پیراسته - زیبا
 آروه - (مانند کارگر): شاهین .
 آشیه - شیبه اسب - آوای گیرا .
 آغ - (مانند پاسخ): شاهین .
 آلوه - (مانند باکوه): شاهین .
 آله - (مانند خانه): شاهین تیزبال .
 آموت - یاد داد، آموخت . (آلموت
 درچم شاهین آموخت) .
 ارغون - (مانند گردون): اسب تند و
 تیز . اسب تیزتك .
 آرغونه - نگه به ارغون .
 اژدر - اژدها . توانا . نیرومند .
 اژدرافکن - نیرومند . توانا .
 اژدرپی - پر زور . پر نیرو .
 اژدرگیر - یل . پهلوان . زورمند .
 اژینا - (مانند کمی ها): اژدر .
 اسب افکن - دلاور . تازنده .
 اشترکا - (مانند اندرجا): سیمرغ .
 اشکره - (مانند بهتره): پرنندگان
 شکاری چون شاهین و باز و آله .
 الوه - (مانند مگوی): شاهین .
 باز - شاهین .
 بازبان - پرورنده شاهین .
 بازپنجه - نیرومند . توانا .

باز دژ - (دژمانند دل): خانه شاهین
 بازلانه - آشیانه شاهین .
 بازیار - سرشکارچی . شاهیندار .
 باشه - بازکوک شکاری .
 بالوان - شاهین کوچک به کردی .
 بجر - این نام نشانه زورمندی است .
 بجرافکن - دلاور . زورمند .
 بجراندام - نیرومند . یل .
 بجربیان - تن پوش رستم زال .
 بجریند - رام کننده بجر .
 بجر پنجه - نیرومند . دلیر .
 بجر پیکر
 بجر تن
 بجر زور
 بجرسا - مانند بجر نیرومند .
 بجرسان - نگه به بجرسا .
 بجرسیاه - آوازه سرداری آماردی .
 بجرگیر - دلاور . دلیر . زورمند .
 برآسپ - دارنده اسبان بلند و زیبا
 و برکشیده . از نامهای باستانی .
 برتیبیا - پرستو .
 برجاسپ - نگه به برآسپ .
 برزاسپ - نگه به برآسپ .
 بشکرد - (مانند بهمرد): شکار .
 شکارگاه . شکارچی .
 بور - اسب سرخرنگ . تذرو .
 پاختک - فاخته .

پای پیل - جنگ افزار . گرزپیلگونه
 پتواز - (مانند شهباز): آشیانه باز .
 پدواز - نگدبه پتواز .
 پرآذران - (مانند سرباغبان): باز
 کوچک شکاری .
 پرنده - مرغان آسمان .
 پژن - (مانند سمن): باز شکاری .
 پلنگ افکن - دلاور . زورمند .
 پلنگ بال - با یال و کویال . پهلوان
 پلنگ پنجه - زورمند . توانا .
 پلنگ زور - نیرومند . پرتوان .
 پلنگ سیاه - سرداری آماردی .
 پلنگ سان - مانند پلنگ نیرومند .
 پلنگ مان - مانند پلنگ زورمند .
 پولاد خای - اسب پر زور و سرکش .
 پولاد رنگ - نگدبه پولاد خای .
 پهند - (مانند کمند): دام آهو .
 پیروج - پرنده ای که هر دم به رنگی
 در آید .
 پیل افکن - دلاور - زورمند . یل .
 پیلان گیر - دلیر . نیرومند .
 پیلانه - مانند پیل پر زور و استوار .
 پیل اوژن - پیل افکن . نیرومند .
 پیلیمان - نگهبان پیل . دلیر .
 پیل بند - پیل گیر . زورمند . دلاور
 پیل پایه - ستون استوار .
 پیل زور - نیرومند . دلاور .
 پیل زهره - دلیر . پردل . بیباک .

پیل سوار - دلاور . بی پروا . پهلوان
 پیلکار - نگهبان پیل . پیلدار .
 پیل گر - پیلدار .
 پیلگون - تناور . دلاور . یل .
 پیل مست - گستاخ . بیباک .
 تراسب - دارنده اسب نرو برتر و
 زیباتر . از نامهای باستانی .
 تکل - (مانند مده): گوسفند جنگی
 تکل - نگه به " تکل " .
 تکلان - باز شکاری به آذری .
 تنجاسب - دارنده اسب نیرومند .
 از نامهای باستانی .
 توانه - غوج .
 توراسب - دارنده اسب تورانی .
 تویاسب - توراسب . تیرگر .
 توز - غوج .
 توسن - اسب سرکش .
 توماسب - دارنده اسبان سیاه . از
 نامهای باستانی .
 تیجاسب - دارنده اسبان تندرو .
 جانشیر - نیرومند . دلاور . بیباک .
 جغاله - (مانند زمانه): گروهی از
 پرنندگان با هم .
 جهانشیر - نیرومند . دلیر . نترس .
 جوانشیر - زورمند . دلاور . یل .

چابکی - اسب راهوار • چالاکي •
 چارگامه - اسب خوشرفتار رهوار •
 چاوش - (مانند سازش) : آوا و فریاد
 گنجشگ •
 چپار - (مانند زمان) : کبوتر سبز
 رنگ با خالهای سیاه • اسب با گلها
 و خالهای سیاه •
 چپاغ - (مانند چراغ) : گونه ای ماهی
 چرز - (مانند لرز) : پرنده زیبا •
 چرغ - (مانند سرد) : پرنده شکاری
 از جنس سیاه چشم •
 چرکمک - (مانند همدمه) : پرنده ای
 زیبا و کوچک •
 چرمه - (مانند بهمن) : اسب فلغلی
 چشینه - (مانند زمینه) : رنگاسب
 چفتک - (مانند اردک) : پرنده ای که
 کاروانک نام دارد •
 چکرنه - (مانند به هردم) : چفتک •
 چکمار - (مانند دردار) : گونه ای
 بلدرچین به گویش خراسانی •
 چنگلاهی - باز شکاری •
 چنگله - (مانند زمزمه) : باز • شاهین
 چوبنه - (مانند خوب سر) : کاروانک •
 چوبین - پرنده خوش آواز بامدادی •
 چوبینه - نگه به " چوبنه " •
 چوگانی - اسب چوگان بازی که ورزش
 ویژه ایران نیان بود •
 چینس - (مانند بی در) : سداي پرنده

خاشین - شاهین •
 خدنگ - تیر راست • دشمن مار که
 در واژه گیلانی " گنج بانو " است •
 خوشگام اسب خوش رفتار • فرخنده •
 داربر - (مانند کار شد) : دارکوب •
 دال - شاهین تیز پرواز بلند آشیانه
 دال سیاه - آوازه سرداران دالفک •
 دالمن - (مانند خارکن) : شاهین
 دالوند - مانند شاهین •
 داماسپ - (مانند پاشاند) : دارنده
 اسبان رام و خوش رفتار •
 درواسپ - (مانند برداشت) : دارای
 اسبان زین شده • فرشته نگهبان
 چهارپایان • از نامهای باستانی •
 رآک - (مانند نگار) : غوج جنگی •
 رآکا - نگه به " رآک " •
 رخ - شاهین - باز •
 رخیان - (مانند گلبن) : نگهبان
 و پرورش دهنده شاهین •
 رخ پر - (مانند گلپر) : دارای بال و
 پر شاهین • پر نیرو • چیره •
 رخ داد - (مانند گلبن) : آفریده
 شاهین • توانا • نیرومند •
 رخزاد - نگه به " رخداد " •
 رخزاده - نگه به " رخداد " •
 رُخ سر - (مانند گلپر) : باشکوه •

رخش - اسب رستم •
 رخ فر - (مانند گلپر) : برتر از شاهین
 و فروغ و شکوه شاهین •
 رُخمان - (مانند گلبن) : مانند باز
 رُخگون - (مانند گلگون) : شاهین
 چهر • شکوهمند • نیرومند •
 رُخوش - (مانند گلپر) : مانند باز •
 رودک - (مانند کودک) : جانداري چون
 پلنگولی • کوچکتر • نی کوچک • ساز •
 ژنده ببر - زورمند • یل • بیباک •
 ژنده پیل - بزرگ • استوار • نیرومند
 ژنده شیر - زورمند • پهلوان • نترس
 ژیان پیل - پیل خشمگین • پرنیرو
 ژیان شیر - زورمند • پرنیرو •
 سرخه - کبوتری خوش رنگ •
 سمند - اسب راهوار به رنگ جو •
 سمندر - مرغ آتش •
 سیرنگ - سیمرغ •
 سیس یاد - نگهبان اسب تندرو •
 سیمرغ - مرغ شکوهمند افسانه ای •
 سینک - (مانند سینه) : سیمرغ •
 شاهباز - شاهین • باز بزرگ •
 شاه بال - شاهین •
 شاه پر - شاهین •
 شاهین بان - نگهبان شاهین •

شاهین پر
 شاهین پنجه
 شاهین خو
 شاهین دژ
 شاهین داد
 شاهین زاد
 شاهین زاده
 شاهین فر
 شاهین گون
 شاهین وش
 شاهین یار
 شیان فریب - باز کوچک • ستاره بامدادی
 شباهنگ - مرغ سپیده خون •
 شیدیز - اسب سیاه خسرو پرویز •
 شنجاسب - (مانند برخاست) : کسی
 که دارای اسب نیرومند است •
 شبکند - (مانند الوند) : آشیانه •
 شوکا - گوسپند نر جنگلی • شکار •
 شهباز - شاهین •
 شهبازان - شاهینها، شاهینی •
 شهبازی - وابسته به شاهین •
 شهبازیان - وابسته به شاهین •
 شهبال - شاهین •
 شیرآزاد
 شیرآسا
 شیرافکن
 شیرانداز
 شیراوژن

شیرانشاه
 شیربازو
 شیربان
 شیر بچه
 شیر بند
 شیر پر
 شیر پرور
 شیر پنجه
 شیر پیکر
 شیر جهان
 شیر جنگ
 شیر چاک
 شیر چنگ
 شیر خدا
 شیر خند
 شیر خو
 شیر داد
 شیر دژ - رخنه ناپذیر •
 شیرزاد
 شیرزور
 شیرسان
 شیر سوار
 شیر شاه
 شیر فش
 شیرک
 شیرکوه
 شیرگیر
 شیرگون

شیرمان - مانند شیر نیرومند •
 شیر مرد
 شیر منش
 شیر نام
 شیر وار
 شیروش
 شیروشین - (مانند پیل نشین) :
 گرد • دلاور • بیباک •
 شیروی - شیر رخسار • یل • نیرومند
 شیرویه
 شیربال
 شیر کویال
 شیواسب - (مانند بیجاست) :
 دارنده اسب کشیده و بلند •
 غلوچک - پرنده شکاری کوچک •
 غلوچیک - نگه به (غلوچک " •
 غوش - پرنده شکاری •
 غوشداد - آفریده نیرو و توان •
 غوشزاد - نگه به " غوشداد " •
 غوشفر - برتر از غوش • شکوه غوش
 گرگسار - نیرومند • نامی باستانی •
 گرگین
 گرگین پور
 گرگین فر
 گرگینه

مود - (مانند دود) : شاهین بزرگو
 سیاه که پر او را به تیر میچسبانند •
 مودپور - فرزند شاهین - نیرومند •
 مود فر - شکوه شاهین • نیرومند •
 نشیم - (مانند گلیم) : آشیانه •
 نوند - (مانند سمنند) : اسب چابک •
 نونده - نگه به " نوند " •
 وارغن - (مانند دادور) : شاهین تیز
 واشه - (مانند خانه) : پرنده تیزبال
 کوچک شکاری •
 واشک - نگه به " واشه " •
 وردیج - (مانند سرپیچ) : پرنده ای
 کوچکتر از تیهو •
 ورغن - (مانند همدم) : شاهین تیزپر
 وشکل - (مانند بددل) : غوج •
 وشم - (مانند مشت) : پرنده ای کوچک
 وشمگیر - گیرنده وشم •
 هذنگ - (مانند خدنگ) : اسب سپید
 هژبر - (مانند گذشت) : شیر •
 هلو - شاهین به کردی •
 همافر - شکوه شاهین • فرخنده •
 همایون - مانند هما • فرخنده •
 هوگویک - مرغ شبآویز که " هو " گوید
 هیدخ - (مانند پیکر) : اسب تندوتیز
 هیگر - (مانند پیکر) : اسب سرخ سیاه
 هیلا - مرغ شکاری کوچکتر از باز •